

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۰۲ نومبر ۲۰۱۴

مرکب اپورتونیسیم و انجو اکونومیسم،

بی محابا عر می زند!

ما فقط با شیری که جلو ما نعره بکشد، می جنگیم، نه با سگ و مرکبی که پشت سرمان واق واق و عر عر می کند. روزی مرکبی، شیر مرده ای را پیدا می کند و پوست او را از تنش می کند و بر تن خودش می کشد. با این نوع شیوه لولوگری و نادانی، آنگاه خود را شیر درنده و قوی پنجه فرض کرده و با همین احساس احمقانه، وارد جنگل می شود و به میان حیوانات می رود تا مایه رعب و وحشت آنان شود. عده ای از حیوانات ساده لوح و نادان نیز فریب ظاهر خری را که در پوست شیر خودش را گنجانیده و پنهان نموده است، می خورند و وحشت زده پا به فرار می گذارند. تا آن که روزی، خر از فرط نادانی کوشش می کند تا هم چون شیر غرنده فریادی بکشد و با غرش خود بیش از پیش مایه وحشت حیوانات جنگل شود، اما همین که دهان می گشاید و نعره می کشد، اهالی جنگل صدای او را می شناسند و پی به ماهیت اصلی اش می برند و به سویی حمله ور شده و جزایش می دهند.

«ویکتور هوگو»، نیز در شعر "حکایت یا تاریخ" از چنین داستانی الهام گرفته و استفاده کرده، اما به جای خر، میمون را قرار داده است که تقلید از خر کرده و همان حرکت خر را انجام می دهد، با تفاوت این که، به جای پوست شیر از پوست ببر استفاده می کند. «ویکتور هوگو»، هم چنین به مناسبت اوضاع آن روز «فرانسه»، از این حکایت تمثیلی استفاده تاریخی می کند و نتیجه ای سیاسی می گیرد. «ویکتور هوگو»، در واقعیت امر «لوئی ناپلئون» را به صورت همان میمونی وصف نموده است که پوست ببر را به تن می کشد، ولی سرانجام کارش به رسوائی تاریخی می انجامد! در اوضاع و شرایط کنونی که افغانستان اشغال نظامی شده است و دولت و حکومت پوشالی، اجیران و خادمان ارتجاع منطقه، ارتجاع فرمانطقه و امپریالیسم جهانی بوده و برای منافع آنان مذبحخانه و خاینانه تلاش می ورزند. در این میان عده ای که خود شان را میراثخواران چپ انقلابی و منسوب به فامیل (چپ انقلابی) کشور می پندارند و می خوانند؛ بدون هیچگونه وحدت عمل و نظر، با نیرو هائی اصیل چپ انقلابی، چه در داخل و چه در خارج و با استفاده از شرایط مساعد و مناسب توأم با مصونیت فردی و سیاسی، خویش را من حیث پبشتازان، نمایندگان و علمبرداران چپ انقلابی، از بالین گرم امپریالیسم، بی شرمانه تحمیل می دارند. این عوامل فروخته شده و جاسوسان کشور هائی ارتجاعی منطقه، فرمانطقه و امپریالیسم جهانی، چنین می اندیشند که، تئوری «مارکسیزم-لنینیزم- اندیشه مائو تسه دون»، بالاخص راه و روش شورش نمودن و انقلاب نمودن، نظریه گذشت زمان و شرایط عینی جامعه، کهنه شده و مطابق به مقتضیات و نیاز های عصر حاضر نمی باشد، بناءً می توان از طریق تاکتیک های نو، حتی انواع معامله

گری ها و سازش هائی خایانه، انقلاب کرد و انقلاب را به پیروزی رسانید. این مرتدان که تا مغز استخوان ارتجاعی و ضد اندیشه دوران ساز «مارکسیزم-لنینیزم- اندیشه مائو تسه دون» می باشند و عمل می کنند، در دریائی از ثروت شنا می کنند و بالای گنج قارون نشسته اند، هیچ گاهی و در بدل هیچ قیمتی حاضر نیستند تا این بهشت برین و جایگاه، خاستگاه و خواستگاه آروز های شان را رها نمایند. این مرتجعان و مرتدان چنین مدعی می شوند که به خاطری نوکری ارتجاع و امپریالیسم را پذیرفته و قله های رفیع دفاتر (انجو ها) را فاتحانه تسخیر نموده اند؛ تا از امکانات وافر آنان سود فراوان جسته و استفاده برند و برای انقلاب نمودن تدارک ببینند. با این طرز و شیوه دید ارتجاعی و خلاف تئوری «مارکسیزم-لنینیزم- اندیشه مائو تسه دون»، خویش را عقل کل پنداشته و انقلابیون و مبارزان اصلی را که به «مارکسیزم-لنینیزم- اندیشه مائو تسه دون» وفا دارند و طبق اصول و معیارهای «مارکسیزم-لنینیزم- اندیشه مائو تسه دون»، عمل می کنند و چراغ رهگشا و رهنمای شان قرار داده اند، می کوشند تا با بد نام ساختن و برچسب زدن، آنان را به حاشیه بکشانند تا بتوانند در عدم فعالیت های انقلابیون، به زیست پرازیستی شان ادامه دهند و از زندگانی در رکاب امپریالیسم، انتهای لذت را ببرند و عقده ها و حس حقارت های شان را فرو نشانده و تسکین شوند و اگر هم بخت و اقبال یاری کند، روزی بر مسند قدرت و حاکمیت تکیه زنند. به همین دلیل تلاش می ورزند تا با حواله نمودن برچسب های خایانه و اتهامات بی اساس به انقلابیون و آنان را به خارج نشینی، بی عملی و بی مسؤولیتی محکوم نمودن، سبب بدنامی آنان بگردند، زیرا از فعالیت های انقلابیون شدیداً می هراسند و وحشت دارند و آینده شان را در خطر حتمی می بینند. قرار معلوم، بیشتر از دو ثلث اعضاء و هواداران شان در خارج از کشور زیست دارند و از امکانات، خدمات و کمک های اجتماعی کشورهای میزبان استفاده ها می کنند و هم چنان فعالیت های سیاسی دارند. این فرومایگان دغلباز و نیرنگباز و عوامل ارتجاع و امپریالیسم فکر می کنند که یگانه شیر غران و پر هیبت میدان اند در حالی که پوست شیر را پوشیده اند و غافل از آنند تا بدانند که شیران اصلی و واقعی، در مرز های خورشید تابان، افغانستان قهرمان، موجودیت فزیکی دارند. این قانونمندی طبیعت است که، شیر هر چند زخمی باشد و هر قدری زخم برداشته باشد، هرگز نمی گذارد و اجازه نمی دهد تا مرکب، سلطان جنگل شود و راه و رسم برای شیر تعیین کند.

در این اواخر یک عده کره مرکب های باربردار، جیره خوار و پادو های رویونیست ها، اپورتونیست ها و انجو اکونومیست ها که در دولت و حکومت مافیائی افغانستان، مشغول خدمت به منافع امپریالیسم می باشند، گهگاهی از زیر سایه پیل امپریالیسم و از آغوش همکاران و برادران خلقی، پرچمی، خادی، جهادی، طالبی و تکنوکرات های مادر فروش و دزد، شان، البته با عکس هائی جعلی و نام هائی مستعار، از طریق ورای مجازی، عرعر زدن را به راه انداخته اند و در کمال چشمپارگی، افسار گسیخته اند، لگد می زنند و به شخصیت های انقلابی، بی حرمتی رواداشته، بهتان می بندند و اهانت می ورزند و باری هم در کمال بی مسؤولیتی خایانه، به انقلابیونی که هیبت و صلابت و مبارزات مسلحانه آنان، سوسیال امپریالیسم و نوکران داخلی شان را به حیرت و وحشت واداشت، طعنه می دهند که، چرا خانه های گرم شان را در خارج رها نکرده و به داخل کشور نیامده و با آنان یکجا، علیه «دشمن» مبارزه نمی کنند؟ نا گفته نماند که مرتدان و مرتجعان، تمام سجل و سوانح شان را در اختیار بادران امپریالیستی و همکاران ارتجاعی شان قرار داده اند.

در ۱۳ سال و اندی، ما شاهد هیچگونه مبارزه قهری مدعیان «مبارزه»، علیه اشغالگران و دولت و حکومت دستنشانده شان نبوده و تنها شاهد جنگ مسلحانه ارتجاعی «طالبان»، علیه متجاوزین و حکومت پوشالی شان، در ابعاد وسیع و همچنان شاهد مقاومت پراکنده خلق های انقلابی پشتون در محلات و مناطق پشتون نشین، در ابعاد کوچک بودیم و بس. مدعیان دروغین «مبارزه و انقلاب»، با اکت و ادا هائی خایانه و ژست گرفتن هائی مسخره و نمایشی و با استفاده از اسم هائی جانبختگان و رهبران اسطوره ئی (شعله ئی) و (جنبش انقلابی ضد روسی)، برای شان هویت و اعتبار

تصنعی ساخته و هم اکنون خیره سرانه، سوار بر اسب رویاها؛ کوشش دارند تا از خویش، چابک سواران ماهری جلوه دهند که فاتح میدان اند.

عملکرد های ارتجاعی، کار این اپورتونیستان و انجواکونومیستان دهر را از خود کامی به بدنامی کشیده است و بوی تعفن شان در همه جا به مشام می رسد. هیچ منطقی سالم قبول نمی کند که با سروصدا ایجاد کردن هائی فرمایشی و نمایشی، از دشمنان غدار و خونی، تمنا و تقاضای عدالت کرد. هیچ منطقی قبول نمی کند که در پهلوی دشمن خونی در زیر یک سقف نشست و در گوشش زمزمه کرد که: آی رقیب، ای دشمن، مواظب تان باشید که ما انقلاب می کنیم و شما ها را با انقلاب قهری می کشیم و سرنگون می سازیم!!

البته تاریخ بیشتر از سه دهه مبارزه و مجادله ثابت ساخته است که کی ها مبارزان حقیقی اند و کی ها اکت و ادای مبارزه را در می آورند و در حقیقت امر با دهها کشور امپریالیستی و دهها مؤسسه استخباراتی خارجی معاونت می کنند و در بدل خدمات شان، معاش می گیرند. متأسفانه انجواکونومیست ها، در بدل وعده ها و پرداخت پول، جوانان فقیر و تهیدست را شکار می کنند، می خرند و آنان را شست و شوی مغزی داده و همچو گدیگ های کوکی، در جهت امیال و اهداف شوم سیاسی شان، استفاده می دارند. ما به خاطر خیر و صلاح چپ انقلابی در مورد اهانت ها، اتهام و بی حرمتی های پاپیگ ها و کره مرکب ها، که به امر و دستور رهبر شان انجام می دادند، خاموش ماندیم و سکوت کردیم و بدین باور بودیم که شاید روزی از کردار نا شایسته شان نادم و پشیمان گردند و اما به جای این که پاپیگ ها و کره مرکب ها سکوت نمایند و دیگر این عمل زشت را تکرار نکنند بل هارتر و وحشی تر از گذشته شدند و به عفو و جف و عفر زدن باز هم پرداختند. فرقه گرایان، با این طرز عمل و دید شان به مثابه بازیچه های رهبر «فرقه»، بیشتر ماهیت پلید ارتجاعی و نوکر منشانه خود شان را افشاء و رسوا ساختند. البته ضدیت این قلم با احزاب و سازمان های راجستر شده انجونیست و آستانبوس امپریالیسم، تبلیغ جنگ توده ئی طولانی و دفاع قاطعانه از مارکسیزم-لنینیزم-اندیشه مائوتسه دون، خلاف میل، مزاج و مذاق آنان قرار گرفته و همچو خنجری حواله قلب های پر از کین شان شده است. بدان جهت و از بابت همان زخم های کاری وارد شده است که آدرس هر مخالف شان را جاهلان و احمقانه، به من منتهی می سازند و تصور می کنند که با این شیوه غیر منطقی و غیر اصولی، قادر می گردند تا به اهداف ارتجاعی شان برسند. یکی از شیوه های نادرست و خاینانه فرقه بازان و رهبری «فرقه»، حمله نمودن به سازمان ها و افراد انقلابی، از آدرس های نا معین بالاخص از طریق ورای مجازی می باشد. این اپورتونیست های انجواکونومیست، به خیال خام و واهی شان، می توانند با چنین طرز و شیوه برخورد، بر مخالفان و منتقدان سیاسی شان غالب می شوند. ما همه نظر به توان، فهم و سرشت های مان مبارزه کرده ایم و از همه جریانات و سازمان های چپ، شناخت کامل داریم، بدان مناسبت با گذشت سال ها و تجارب گذشته و اندوخته های فعلی، با تمامی شعبده بازی ها و نیرنگ بازی های رهبری «فرقه»، آشنا هستیم. خیانت های اخیر «فرقه» و فرقه گرایان به ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم-اندیشه مائوتسه دون، سبب آن شد تا افرادی انقلابی، متعهد و وفادار به مارکسیسم-لنینیسم-اندیشه مائوتسه دون، مسیر شان را از رهبری «فرقه» و فرقه گرایان انجونیست، این خادمان سرمایه جدا سازند. این مطمئن و متیقنم که، پاپیگ ها و کره مرکب ها، بدون اجازه رهبر «فرقه»، هرگز نمی توانند عوعو و عرعر نمایند. این مرتدان و مرتجعان، عقده های حقارت دارند و فعالیت های سازمان ها و شخصیت های انقلابی را نمی توانند تحمل کنند. تصمیم گرفته ایم که انجواکونومیستان و اپورتونیستانی را که از اسم هائی چپ انقلابی و رهبران چپ انقلابی سوء استفاده ها می کنند و برای شان اعتبار می سازند و هویت می خرند، بی رحمانه افشاء سازیم، زیرا این انگلی های مفتخور و خادمان و نوکران سرمایه به مثابه مار هائی یخ زده در آستین چپ انقلابی مخفی شده اند و دشمنان راستین چپ انقلابی می باشند. اگر این ها به در ما با نوک انگشت بزنند، با مشت های آهنین به جواب شان خواهیم پرداخت.

ایاز خاص، حدت را بشناس و پا فراتر از گلیمت نگذار که قلع و قمع می شود و بدان که هر عمل عکس العملی را در قبال دارد و این است اتمام حجت ما.

نوت:دوستان و هموطنان جلیل القدر!

من میرویس ودان محمودی، با همین اسم و مشخصات، از طریق پورتال وزین «افغانستان آزاد-آزاد افغانستان» و فیسبوک می نویسم و به اسم دیگری اصلاً ننوشته و زیر چادری مستعار پنهان نمی شوم زیرا از کسی ترس ندارم و برای از دست دادن هم چیزی ندارم.